



عکس: رضا معطریان / ایران

جالب است در توضیح بدهی می‌گویند اینقدر به پیمانکاران بدهکار است، اگر کمی تأمل کنند متوجه خواهند شد که روی نقطه قوت دولت گذشته دست می‌گذارند، چرا که پرداخت به پیمانکار و طلب پیمانکار در نقطه مقابلش یعنی دارایی و سرمایه‌گذاری و طرح عمرانی قرار دارد. ضمن این‌که آیا اجرای طرح عمرانی و ایجاد بدهی بدون مجوز قانونی و بدون مصوبه مجلس ممکن است؟ اما اینکه دست روی بدهی‌های دولت بگذاریم بدون اینکه به دارایی‌ها یا منابع آن توجه کنیم، یک ظلم به خود دولت است. یکی از دلایلی که بخش خصوصی چه در داخل و چه در خارج ریسک دولت یازدهم را بالا ارزیابی می‌کنند، برای این است که آمار و ارقام «بد» ارائه می‌شود. یکی از دلایلی هم که غربی‌ها در اجرای برجسام طفره می‌روند همین دلیل است:

#### تو چون اختر خویش را خود کنی بد مدار از فلک چشم نیک‌اختری را

من با اطمینان به شما می‌گویم به ازای هر واحد بدهی که مطرح می‌شود، اگر یک سری به خزانه‌داری بزنند بی خواهند برد چند واحد دارایی وجود داشته و ایجاد شده است. هنریک دولت هم مدیریت دارایی‌ها، بدهی‌ها و منابع خودش است که بسیاری از این دارایی‌ها قابلیت نقدشوندگی سریع دارند. مورد بعدی این است که هیچ کدام از این ارقامی که در خصوص بدهی اعلام می‌شود، حسابرسی شده نیست، به همین علت ارقام مختلفی اعلام می‌شود. من شما را به زمانی ارجاع می‌دهم که در سال ۹۲ اعلام می‌کردند دولت حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بدهکار است. همان زمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور چه رئیس این سازمان و چه معاونت ذریط آن در سال ۹۲ در دولت جدید اعلام کردند که بدهی‌های دولت به پیمانکاران کمتر از ۹ هزار میلیارد تومان است. همین سال ۹۲، دولت حدود ۱۴۸ هزار میلیارد تومان منابع و مصارف داشته است. پس این اعدادی که تحت عنوان ۳۰۰ هزار میلیارد تومان و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان و... اعلام می‌کنند، هیچ کدام حسابرسی شده و اعداد درستی نیست. ضمن اینکه این سؤال را باید مطرح کنیم که این بدهی برای کدام بخش دولت است؟ گاهی می‌بینیم بدهی شرکت نفت را جز همین رقم به حساب می‌آورند، در حالی که شرکت نفت خودش درآمد دارد، سرمایه‌گذاری کرده و طرح‌های مختلف دارد و اصلاً نوع قراردادهایش متفاوت است. همچنین ۵/۴ درصد از درآمدهای نفتی هر سال به شرکت نفت تعلق می‌گیرد. فرض کنید ۵۰۰ هزار تقاضای نیروی کار را ببینیم، یکی از ایرادات این جمعیت شاغل هم همین است که تفکیکی از برآیند عرضه و تقاضای نیروی کار ارائه نمی‌کنیم. ضمن اینکه جمعیت شاغلین و نرخ بیکاری ما عمدتاً بر اساس متدهای خاص آماری صورت می‌گیرد و این ساده‌انگاری‌ها در محاسبات آماری حاصلی جز گمراهی نخواهد داشت.

نکنه‌ای که وجود دارد این است که آیا ما به تعریف واژگان توجه می‌کنیم، یعنی برای مثال وقتی می‌گوییم «بدهی»، مثلاً در دولتی بدهی بالا رفته است، آیا توجه داریم که افزایش بدهی چه ما به ازایی داشته است؟ در ادبیات مالی، سه واژه ثروت، دارایی و بدهی داریم که می‌گوییم ثروت برابر است با دارایی منهای بدهی. لذا به طور مثال وقتی می‌خواهیم بگوییم یک فردی ثروتمند است، نمی‌گوییم بدهی ندارد، بلکه ما به التفاوت دارایی و بدهی این شخص ملاک است. اصولاً افراد و دولت‌های کارآفرین اینگونه حرکت می‌کنند که حجم دارایی‌ها و بدهی‌هایشان بالا می‌رود اما ما به التفاوت این دو عدد که همان ثروت است، افزایش پیدا می‌کند. اتفاقی که در دولت نهم و دهم افتاد، این بود که ثروت افزایش پیدا کرد. افرادی که مطرح می‌کنند، کشور اینقدر بدهکار است و بعد هم

واگذاری عملاً تعطیل شده است. بنابراین دارایی‌ها و سهام را حبس می‌کنند، از نقد کردن آن خودداری می‌کنند و رشد مخارج جاری را بالا می‌برند و آن‌گاه که دیون خود را نمی‌پردازند، شعار خزانه خالی و «آنا مفلس» هم سر می‌دهد که نتیجه آن چیزی جز ناتوانی در جذب و مدیریت منابع مالی نیست.

● درباره واردات، می‌خواستیم بدانم کل واردات ایران در طول هشت سال دولت نهم و دهم چقدر بود؟ مباحثی این روزها مطرح می‌شود که گفته می‌شود واردات در دولت گذشته به شدت زیاد بوده است. منتقدان شما اعدادی مانند ۷۲۰ یا ۶۵۰ میلیارد دلار و... را مطرح می‌کنند.

این یکی از نکات عجیب‌آور بود که در شرایطی که آمار رسمی کشور موجود بوده و نشان می‌دهد کل واردات از سال ۸۴ تا سال ۹۱، حدود ۴۱۹ میلیارد دلار بود، عده‌ای از مقامات دولت یازدهم آمدند و اعداد ناصحیح و عجیب و غریبی را اعلام کردند. مثلاً یکی از این آقایان رقم ۷۲۰ میلیارد دلار را مطرح کرد. اگر خاطرتان باشد مدتی بعد معاون ذریط گمرک در دولت یازدهم این عدد ۷۲۰ میلیارد دلار را تکذیب کرد. بعد رئیس کل گمرک بدون تکذیب و رد کردن این عدد ۴۱۹ میلیارد دلار، سعی کرد با یک اضافاتی آن ۷۲۰ میلیارد دلار را توجیه کند. شما می‌دانید هر موقع ما خواستیم دست به تحلیل آماری بزنیم باید پایه آماری، قابل مقایسه و به اصطلاح همگن باشد. یعنی اگر آمدید واردات را به علاوه هزینه حمل، محاسبه کردید؛ باید محاسبه واردات در دوره‌های قبلی هم به علاوه هزینه حمل بوده باشد. یا اگر خواستید هزینه بیمه را به هزینه‌ها اضافه کنید، باید برای همه دوره‌ها اضافه کنید. من می‌گویم بالاخره گمرک جمهوری اسلامی ایران و سازمان توسعه تجارت ایران بر اساس رویه‌های رسمی، آمار واردات و صادرات را اعلام می‌کند که آمار واردات در سال ۸۴ تا ۹۱ کمتر از ۴۲۰ میلیارد دلار بوده است. جالب این است که شما اگر بیاپید و مقایسه کنید، در همین سال‌های اخیر که می‌گویند درآمد ارزی کشور کم شده، واردات در سال ۹۲ حدود ۵۰ میلیارد دلار، سال ۹۳ حدود ۵۴ میلیارد دلار و در سال ۹۴ به دلیل رکود اقتصادی که واردات کاهش پیدا کرده، این عدد حدود ۴۱ میلیارد دلار بوده است. یعنی به عبارتی تولید به کار می‌رود، بوده است. یعنی به عبارتی در سال ۹۴ واردات مواد اولیه و واسطه‌ای ۲۲ درصد کاهش پیدا کرده، اما واردات کالاهای سرمایه‌ای ۸ درصد کاهش پیدا کرده است. اگرچه در ظاهر واردات در این سال نسبت به سال گذشته حدود ۲۲ درصد کاهش پیدا کرده است، اما این هنر نیست که واردات غیرنفتی سال ۹۴ افتاده است. اگرچه در ظاهر واردات در این سال نسبت به سال گذشته حدود ۲۲ درصد کاهش پیدا کرده است، اما این هنر نیست که واردات غیرنفتی سال ۹۴ افتاده است. اگرچه در ظاهر واردات در این سال نسبت به سال گذشته حدود ۲۲ درصد کاهش پیدا کرده است، اما این هنر نیست که واردات غیرنفتی سال ۹۴ افتاده است.

نمی‌گویند صادرات غیرنفتی کشور در این سال نه تنها افزایش نداشته بلکه ۱۶٫۵ درصد کاهش پیدا کرده است. زمانی هست شما می‌گویید تراز تجاری کشور به دلیل افزایش صادرات مثبت شده، اما یک زمانی می‌بینید که صادرات غیرنفتی از ناحیه رکود و انقباض تجاری بهبود یافته است؛ شما اگر سال‌های ۸۴ تا ۹۱ را بررسی کنید، می‌بینید که صادرات غیرنفتی به مراتب بالاتر از رشد واردات است. لذا ما به مرحله‌ای رسیدیم که تقریباً در سال ۹۱ و ۹۲، بخش عمده واردات مان از محل صادرات غیرنفتی تأمین می‌شود. اما این هنر نیست که واردات غیرنفتی سال ۹۴ افتاده است. اگر قرار بود که در سال ۹۱ و ۹۲، بخش عمده واردات مان از محل صادرات غیرنفتی تأمین می‌شود. سال ۱۳۸۴، صادرات



در دولت قبل ما با اوج عرضه نیروی کار مواجه بودیم. رشد جمعیت دهه اول انقلاب با توجه به سال‌های تحصیلی جوانان خودش را به صورت جمعیت متقاضی نیروی کار در دولت‌های نهم و دهم نشان داد. به همین دلیل با توجه به اینکه مشاغل زیادی ایجاد شده است، کاهش نرخ بیکاری چندان محسوس نبود، چون ما در تحلیل بازار کار، هم باید عرضه و هم تقاضای نیروی کار را ببینیم. یکی از ایرادات این جمعیت شاغل هم همین است که تفکیکی از برآیند عرضه و تقاضای نیروی کار ارائه نمی‌کنیم

## افزایش بدهی دولت نشانه بدی نیست



بشر

نکنه‌ای که وجود دارد این است که آیا ما به تعریف واژگان توجه می‌کنیم. یعنی برای مثال وقتی می‌گوییم «بدهی»، مثلاً در دولتی بدهی بالا رفته است. آیا توجه داریم که افزایش بدهی چه ما به ازایی داشته است؟ در ادبیات مالی، سه واژه ثروت، دارایی و بدهی داریم، که می‌گوییم ثروت برابر است با دارایی منهای بدهی. لذا به طور مثال وقتی می‌خواهیم بگوییم یک فردی ثروتمند است، نمی‌گوییم بدهی ندارد، بلکه ما به التفاوت دارایی و بدهی این شخص ملاک است. اصولاً افراد و دولت‌های کارآفرین اینگونه حرکت می‌کنند که حجم دارایی‌ها و بدهی‌هایشان بالا می‌رود اما ما به التفاوت این دو عدد که همان ثروت است، افزایش پیدا می‌کند. اتفاقی که در دولت نهم و دهم افتاد، این بود که ثروت افزایش پیدا کرد. افرادی که مطرح می‌کنند، کشور اینقدر بدهکار است و بعد هم جالب است در توضیح بدهی می‌گویند اینقدر به پیمانکاران بدهکار است، اگر کمی تأمل کنند متوجه خواهند شد که روی نقطه قوت دولت گذشته دست می‌گذارند، چرا که پرداخت به پیمانکار و طلب پیمانکار در نقطه مقابلش یعنی دارایی و سرمایه‌گذاری و طرح عمرانی قرار دارد. ضمن این‌که آیا اجرای طرح عمرانی و ایجاد بدهی بدون مجوز قانونی، بدون مصوبه مجلس ممکن است؟ اما اینکه دست روی بدهی‌های دولت بگذاریم بدون اینکه به دارایی‌ها یا منابع آن توجه کنیم، یک ظلم به خود دولت است.

غیرنفتی حدود ۵/۱۰ میلیارد دلار بود که به ۵/۴۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ رسید، یعنی حدوداً ۴ برابر شد، ولی واردات از ۳۹ میلیارد دلار به حدود ۵/۵۳ میلیارد دلار رسید، یعنی واردات در دولت‌های نهم و دهم، ۳۶ درصد رشد کرد، در حالی که صادرات غیرنفتی حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافت.

● از ۴۲۰ میلیارد دلاری که در دولت‌های نهم و دهم واردات داشتیم، چه میزان آن کالاهای سرمایه‌ای و اولیه بود؟

به طور متوسط حدود ۸۸ درصد واردات ما مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده است.

● این وضعیت در دولت یازدهم چگونه است؟

کل سهم کالاهای مصرفی در مقایسه با سهم کالاهای سرمایه‌ای و اولیه و کالاهای واسطه‌ای در حال افزایش است. وقتی در سال ۹۴ واردات مواد اولیه و واسطه‌ای حدود ۲۰ درصد، سرمایه‌ای ۸ درصد و مصرفی ۲ درصد کاهش پیدا کرده است این نتیجه به دست می‌آید که ترکیب واردات با نفع واردات مصرفی تغییر یافته است. در دولت قبل، کشور در وضعیت توسعه تجاری بود، در روند توسعه تجاری، رشد صادرات غیرنفتی به مراتب بالاتر از رشد واردات بود به همین دلیل تراز تجاری غیرنفتی زوربه روز بیشتر بهبود پیدا می‌کرد ولی در سال ۹۴ این جریان عکس شده است؛ یعنی کشور به سمت انقباض تجاری رفته است. در انقباض تجاری کاهش واردات، به دلیل کاهش شدید مواد اولیه و واسطه‌ای و سرمایه‌ای، با شدتی بیشتر از صادرات غیرنفتی بوده است، به این دلیل تراز مثبت شده است، اما این هنر نیست که در سال ۹۴ شاهد این باشیم که صادرات غیرنفتی ۱۶٫۵ درصد کاهش پیدا کند و واردات نیز ۲۲ درصد کاهش یابد، آن هم با این ترکیباتی که عرض کردم و گفته شود تراز تجاری مثبت شده است!

● درباره واردات از چین نیز انتقادات به دولت شما بسیار گسترده بود. منتقدان شما ادعا می‌کنند که دولت احمدی‌نژاد برای جوانان چینی اشتغال ایجاد کرد!

کل واردات کشور در سال‌های ۸۴ تا ۹۱ از چین ۴۰ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بوده است، یعنی به طور متوسط سالانه ۵ میلیارد دلار. پس واردات کشور از چین کمتر از ۹٫۶ درصد کل واردات کشور (۴۱۹ میلیارد دلار) بوده است؛ در حالی که در ۳ سال دولت یازدهم ۳۳ میلیارد دلار یعنی به طور متوسط سالانه ۱۱ میلیارد دلار از چین واردات انجام شده است؛ لذا من بارها گفتم، خوب است وقتی

می‌خواهیم تحلیل کنیم براساس آمار رسمی این کار را انجام دهیم. تمام این آمار، آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران است. یعنی نه عدد ۷۲۰ میلیارد دلار واردات صحت ندارد و نه اینکه اصلاً در دولت قبل واردات از چین عددی بوده است که دولت یازدهم مدعی آن است. در واقع در دولت قبل کمتر از ۱۰ درصد و در دولت یازدهم حدود ۲۳ درصد از کل واردات کشور از چین بوده است؛ یعنی از عدد ۱۴۵ میلیارد دلار سه سال اول دولت یازدهم، حدود ۳۳ میلیارد دلار از چین وارد شده است. البته من ایرادی نمی‌بینم که ۲۳ درصد واردات ما از چین باشد، به هر حال زمانی که غربی‌ها دست به تحریم ایران می‌زنند، پروژه‌های عمرانی را می‌کنند و می‌روند، طبیعی است که سهم چین در اقتصاد ما بالا برود، ولی

می‌خواهم بگویم همان افرادی که این آمار را می‌دهند و ۱۰ درصد واردات از چین را ایجاد اشتغال برای چینی‌ها قلمداد کردند، ۲۳ درصد واردات خودشان از چین را چه قلمداد می‌کنند؟ ببینید من قبلاً هم این را مطرح کردم که در سال‌های اخیر خیلی تحلیل‌های اقتصادی طعم سیاسی به خودش گرفت. وقتی این طور شود لاجرم آمارسازی هم دور از ذهن نیست، که این نه تنها باعث مخدوش شدن نظام آماری بلکه به نظرم بی‌اعتبار شدن سازمان‌های تخصصی هم هست.

وقتی که یک مقام سیاسی در اعلام آمار بر نظام و سیستم آماری پیشی می‌گیرد چند اتفاق می‌افتد؛ یکی اینکه کارشناسان آن دستگاه نسبت به اثربخشی کار خود به نوعی دچار تردید و شبهه می‌شوند. دوم اینکه در اینکه محصول کارشان با امانتداری منعکس می‌شود دچار تردید می‌شوند. سوم اینکه انتشار آمار به تعویق می‌افتد. من خاطرهم است در دولت قبل اگر اعلام آمار اندکی به تأخیر می‌افتاد همین کسانی که امروز سکوت کردند، شروع به انتقاد می‌کردند. من الان در شه‌ریورماه سال ۹۵ با شما صحبت می‌کنم، در حالی که مقامات بلندپایه کشور، کل رشد اقتصادی سال ۹۴ را یک درصد اعلام کردند. در آخرین آمار بانک مرکزی حتی رشد اقتصادی سه ماهه اول سال ۹۴ هم خالی است و گزارش نشده است. به نظر می‌رسد چون در سال گذشته مقامات سیاسی ادعای این را داشتند که رشد اقتصادی مثبت بوده و کشور در سال ۹۲ از رکود خارج شده است، آماری که توسط سازمان‌های آمار تولید شده با این ادعا مطابقت ندارد و لذا انتشار آمار به تأخیر افتاده است. اگر قرار بود که آمار رشد اقتصادی را مقامات سیاسی، آن هم غیرمرتبط اعلام کنند پس تولید آمار توسط دستگاه‌های رسمی موضوعیتی نداشت.

## صادرات غیرنفتی ۳۰۰ درصد افزایش یافت



بشر

زمانی هست که شما می‌گویید تراز تجاری کشور به دلیل افزایش صادرات مثبت شده، اما یک زمانی می‌بینید که صادرات تجاری بهبود یافته است؛ شما اگر سال‌های ۸۴ تا ۹۱ را بررسی کنید می‌بینید که رشد صادرات غیرنفتی به مراتب بالاتر از رشد واردات است. لذا ما به مرحله‌ای رسیدیم که تقریباً در سال ۹۱ و ۹۲، بخش عمده واردات مان از محل صادرات غیرنفتی تأمین می‌شود. سال ۱۳۸۴، صادرات غیرنفتی حدود ۵/۱۰ میلیارد دلار بود که به ۵/۴۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ رسید، یعنی حدوداً ۴ برابر شد، ولی واردات از ۳۹ میلیارد دلار به حدود ۵/۵۳ میلیارد دلار رسید، یعنی واردات در دولت‌های نهم و دهم، ۳۶ درصد رشد کرد، در حالی که صادرات غیرنفتی حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافت.